

## ریتم رنگ در لباس زنان نورآباد ممسنی (لر)



مهسا خبازواحد

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر

## چکیده

مفهوم رنگ برای ما از همان آغاز زندگی پدیده ای قابل درک بوده است و آن را بدون کوچکترین تلاش فکری، مشاهده و درک می کردیم. هر فردی به نسبت شرایط روحی، جغرافیایی و فرهنگی سلیقه ای خاص و برداشتی مشخص از رنگ های متنوع دارد. همین طور مردم هر ملتی بر حسب شرایط حاکم، عقاید و باورها، اشتراکات جمعی و طبیعت آن سرزمین ممکن است ارزشی خاص و درکی مشخص از رنگ ها داشته باشند.

شهرستان نورآباد ممسنی در شمال غربی استان فارس واقع شده است. زنان نورآباد ممسنی «لر» همیشه لباس های گشاد و راحت بر تن می کنند که این مسئله ریشه در کوچ نشین بودن آنها دارد. این لباس ها متناسب با فصول سال از پارچه های گرم و یا خنک دوخته می شوند. لباس این زنان شامل: کلاهک یا روسری، پیراهن، تنبان یا شلیته، جلیتقه، سرداری و پاپوش است.

یکی از مشخصه های قابل توجه در این لباس ها رنگ و ریتم بکارگیری آن است. رنگ شاد این لباس ها به آنها جلوه ای خاص داده است. البته این تنوع رنگی را در تمامی لباس های محلی ایران می توان مشاهده کرد. این لباس های محلی با توجه به آب و هوا، طبیعت، آداب و رسوم و عقاید مردم مناطق مختلف از تنوع رنگ و شکل برخوردار است.

جذابیت و تنوع بالای لباس زنان نورآباد ممسنی «لر» باعث شده است تا همیشه مورد توجه مسافری و توریست ها قرار بگیرد. ریتم رنگی به کار رفته در آن ها با پارچه ها و پولک های الوان بیننده را مجذوب خود می کند.

تلاش نگارنده در این مقاله بر آن است تا ریتم زیبای موجود در این لباس ها و نحوه ی انتخاب آن را توسط زنان لر بازناساند و سعی بر آن بوده است تا با مطالعه در این زمینه، رنگ های فراموش شده ی این لباس ها را دوباره به خاطر خواننده آوریم و زیبایی منحصر به فرد آن را تحسین گوئیم. و بدین گونه بر ارزش این میراث فرهنگی کشور ارج نهیم.

در این راه علاوه بر مطالعه ی شرایط جغرافیایی شهرستان نورآباد ممسنی، ویژگی های روحی زنان لر، نوع لباس ها و نحوه ی دوخت آنها، مطالعه ی میدانی در میان این زنان نیز انجام شده است و با ارجاع به بیست دست لباس دختران جوان لر، سعی شده است تا حد امکان به منطق زیباشناسی موجود در ریتم رنگ لباس زنان این منطقه دست یابیم.

## کلید واژگان

ریتم رنگ، لباس زنان نورآباد ممسنی «لر»، شرایط طبیعی و جغرافیایی، لباس های محلی، منطق زیباشناسی.

## مقدمه

اگر بتوان دنیا را بدون رنگ تصور کرد، آنگاه آسمان، ابر، چمن، جویباران و هر چه در اطراف ماست همگی سفید، سیاه و خاکستری بنظر خواهد رسید و این چقدر وحشتناک خواهد بود.

گرچه وجود رنگ برای ما بدیهی است و آن را بدون زحمت فکری مشاهده می کنیم ولی هر فردی نسبت به آن به گونه ای متفاوت برخورد می کند. همه مردم یک رنگ را به اندازه هم دوست ندارند. نحوه تزئین خانه و انتخاب لباس سلیقه ما را نسبت به انتخاب رنگ نشان می دهد.

بشر مفهوم رنگ را از طبیعت و پدیده های آن آموخته است، بنابراین شناخت رنگ همزمان با تاریخی است که بشر عناصر و ساخته های طبیعی را درک کرده است. رنگ برانگیزنده احساس است و می تواند آرامبخش و یا مهیج باشد. ما روزانه رنگ ها را می بینیم و مورد استفاده قرار می دهیم. همه ما مثل نقاش رنگ ها را به عنوان ابزار کار خود نمی

شناسیم. زیرا ما بایستی آنها را درک و تنظیم کنیم تا بتوانیم آنها را در زندگی خود درست بکار ببریم. تنظیم و ترتیب آنها هر چه باشد ارائه شان بدور از شیوه های شخصی نمی تواند باشد. بهر حال ابتدا باید قبل از استفاده و تنظیم آن را بشناسیم.

پس رنگ چیست؟ چگونه بوجود می آید؟ رنگ احساسی است که توسط نور سفید دریافت شده توسط چشم و تعبیر آن توسط مغز بوجود می آید. نور سفید از خورشید به ما می رسد و طول موجهای مختلفی دارد که همه رنگ هایی را که در دنیا می بینیم به همراه دارند. چشم ما که این طول موج را دریافت می کند سیستم پیچیده ای دارد و از طریق این دستگاه عجیب آنها را به صورت رنگ مشاهده می کنیم. (پاول، 1378، 6)

این امواج نوری موجب رؤیت فرم اشیاء دوروبر ما نیز می شود، زیرا بدون وجود نور، سایه روشن که موجد نمایش فرم است وجود نخواهد داشت. بنابراین امواج نوری هم رنگ و هم فرم را نشان می دهد. بدون نور ما قادر به دیدن چیزی نخواهیم بود. (همان، 1378، 6)

رنگ ها با تمامی عوامل و جزئیات زندگی ما چنان رابطه تنگاتنگی دارند که باید گفت رنگ ها بسان پله هایی هستند که وجود فیزیکی و روحی انسانها را با سایر جزئیات و پدیده های جهان هستی در ارتباط قرار می دهند. انسان ها در رابطه با رنگ ها اشتراک عقیده ندارند، یعنی هر فردی نسبت به رنگی جاذبه و دافعه خاصی از خود نشان می دهد. شاید رنگ هایی که برای شما جالب، زیبا و خوشایند هستند، برای دیگران بی معنی و یا کم ارزش جلوه کند و این کاملاً طبیعی است که شما رنگی را بپسندید و یا نپسندید. این مسئله را می توانید به وضوح در انتخاب رنگ لباس های خود در مقایسه با لباس اطرافیان ببینید.

یکی از نشانه های فرهنگی در مناطق مختلف جهان و ایران، لباس های محلی است. این لباس ها با توجه به آب و هوای مناطق از تنوع رنگ و شکل برخوردار بوده و از گذشته های دور دارای پوشش کامل بوده اند. لباس محلی نورآباد ممسنی میراث جهانی ایرانیان با زبانی که از روح نیاکان این خاک در آن به امانت مانده است، باید به عنوان یک هویت ملی حفظ شود.

زنان روزگاران کهن لر با لطافت روحشان، چشم را به تار و پود زیبایی روح رسوخ دادند و رنگ در رنگ در هم تنیدند و با عشقی به پهنای طبیعت زیبای لرستان پوششی تهیه کردند رنگین و پر نشانه. آنها سینه به سینه آموختند، طرح زدند، به تن کردند، گوشه گوشه بقچه های جهیزیه را با آن زینت کردند و نسل به نسل به یکدیگر «رنگ» هدیه کردند.

لباس زنان نورآباد ممسنی «لر» به دلیل تنوع رنگی زیاد و جذابیت بسیار بالا معروف بوده و عمومیت پیدا کرده است، به طوری که نشانه هایی از این لباس در نقاط دیگر مثل لباس زنان عشایر بختیاری نیز دیده می شود. البته امروزه با گذشت زمان لباس های محلی دیگر از رونق افتاده اند و رنگ های شاد آن که امید به زندگی را در دل ها زنده می کرد، در کنج پستوها، صندوق ها و بقچه ها جای گرفته اند و بیشتر در مراسم ها، جشن ها و یا عزاداری ها می توان این لباس ها را بر تن زنان لر مشاهده کرد.

در این مقاله تلاش شده است به مطالعه در زمینه جایگاه رنگ در لباس زنان نورآباد ممسنی «لر» پرداخته شود، چرا که لباس این زنان پررنگ است که به نظر می رسد در گذر زمان به فراموشی سپرده شده است. ریتمی که در لباس زنان لر به چشم می خورد از منطقی زیباشناسانه پیروی می کند، هر چند که اگر از این زنان در رابطه با انتخاب رنگ لباس هایشان پرسیده شود تنها جوابشان، سلیقه شخصی خودشان است؛ اما تأثیر عوامل مختلف همچون جغرافیا، شرایط زندگی و باورها و اعتقاداتشان باعث شده تا تمامی این زنان از منطقی خاص که در کنه وجودشان رخنه کرده است پیروی کنند. سعی نگارنده در این است تا ریتم زیبایی موجود در رنگ لباس زنان لر را بازشناساند و در این مقاله هر چند مختصر به آنها اشاره ای داشته باشد.

متأسفانه تاکنون مطالعه و تحقیقی در رابطه با لباس زنان لر و ریتم رنگی موجود در آنها انجام نشده است. تنها مطالعات در دست، بیان اجزاء این لباس ها است، برای مثال در کتاب «تاریخ لباس ایران» اشاراتی مختصر به لباس زنان لر شده است که بیشتر شامل اجزاء این لباس ها، نوع پارچه ها و نحوه دوخت آنها می باشد.

## تأثیر روانی رنگ ها در انسان

چگونگی تأثیرپذیری انسان از رنگ ها اهمیت کاملاً روانی دارد و به طور مستقیم در هنجارها و واکنش ها و رفتارهای فرد مؤثر است. هر عاملی که روان انسان را تحریک کند در واقع تحریکی برگزیده های عصبی است. هر رنگی به مقتضای خاصیتش به نوعی بر روان انسان تأثیر می گذارد، که این اثر بی ربط با رفتارهای اجتماعی و روانی آنها نیست. هر کس به رنگ خاصی توجه و علاقه مخصوصی نشان می دهد و از رنگ دیگر ابراز تنفر می کند. عشق و تنفر به رنگ ها دقیقاً به حالات روانی افراد موبوط می شود. (رمضان عرب، 1382، 16)

عوامل مؤثر در انتخاب رنگ ها به طور خلاصه عبارتند از:

1. سن: معمولاً کودکان از رنگ های زنده و خالص و بزرگسالان از رنگ های پخته و مرکب خوششان می آید.
2. زمینه های هوشی و عاطفی.
3. سلامت جسمی.
4. سلامت روح و حالت های روانی افراد.
5. فصول سال: معمولاً توجه انسان در تابستان به رنگ های روشن و در زمستان به رنگ های تیره معطوف می گردد.
6. موقعیت جغرافیایی: نوع محیط اجتماعی از قبیل کوهستانی بودن، کویری بودن، ساحلی بودن و یا مناطق ابری و آفتابی نیز در انتخاب رنگ تأثیر زیادی دارند. مثلاً زنان روستایی شمال به دلیل محیط همواره سبز از لباس های رنگارنگ استفاده می کنند.
7. فرهنگ جامعه: انتخاب رنگ به خصوصیات اجتماعی و فرهنگ جامعه نیز بستگی دارد.
8. نوع جامعه: نگرش شهری و روستایی به رنگ ها، متفاوت است. شهری ها معمولاً رنگ های سرد مثل آبی و سبز را می پسندند و روستاییان به رنگ های گرم نظیر قرمز یا اشباع شده و نقوش الوان تمایل نشان می دهند.
9. طبقه اجتماعی از لحاظ اقتصادی: افراد کم درآمد معمولاً جذب رنگ های براق و سریع می شوند و پردرآمدها رنگ های سبک و مرکب و ملایم و ظریف را انتخاب می کنند. (همان، 16)

عوامل دیگری مانند جنسیت، سواد و... نیز می توانند در انتخاب رنگ ها مؤثر باشند. بنا به گفته بولوگ (Bullough) ارتباط درک ما از زیبایی با رنگ، بسیار ساده و فوری است و حتی اگر هیچ شناختی درباره نظریه غیرعملی از رنگ نداشته باشیم به سور غریزی در موقعیتی قرار داریم که رنگ به راحتی در ما نفوذ می کند. عمق و گرما و تنالیت به معنی آنکه کیفیت رنگ با بعضی از احساسات و تألمات ما آمیخته می گردد.

تاریخ تحول لباس، فولکلور، حجاری های دیواری و مذاهب نشان می دهند که رنگ ها برای مشخص کردن شرایط و کیفیت های خاصی مورد استفاده قرار گرفته اند. به نظر باستید (Bastid) قسمت عمده ای از معانی نمادین رنگ به سنت ها و محیط های اجتماعی خاصی که در آن زندگی می کنیم بستگی دارد. یک رنگ در یک نظام اجتماعی مشخص، ممکن است دارای مفهومی باشد و در نظامی دیگر معنی متضاد آن را بدهد. (همان، 17)

## روش تحقیق

نحوه جمع آوری داده ها در این مقاله به صورت میدانی و کتابخانه ای بوده است. در ابتدا با مطالعه کتاب هایی در رابطه با مردمان نورآباد ممسنی و ویژگی های جغرافیایی و تاریخی این شهرستان، داده های اولیه برای شروع تحقیق جمع آوری شد. سپس با سفر به این منطقه و صحبت با زنان این قوم و همین طور بررسی و ثبت رنگ بندی لباس های این زنان و مصاحبه با آنان در ارتباط با نحوه انتخاب رنگ لباس هایشان، کوشش شد تا با روحيات و علايق اين زنان بيشتري آشنا شويم.

بررسی ریتم رنگ در لباس زنان نورآباد ممسنی (لر) بر اساس نقطه کانونی این لباس ها صورت گرفته است. با توجه به این نکته که اصلی ترین بخش در این لباس ها از نگاه زنان لر کدام قسمت است به مطالعه رنگ هسته در آن ها و تناسب آن با رنگ های حاشیه ای که در دیگر بخش های لباس بکار رفته، پرداخته شده است. تحلیل و مطالعه ریتم رنگ در لباس زنان این قوم بر پایه رنگ های بکار رفته در بیست دست لباس که بر تن این زنان و دختران جوان دیده و ثبت شده، صورت گرفته است.

## تاریخ و فرهنگ ممسنی



شهرستان ممسنی در شمال غربی استان فارس قرار دارد و از شمال و غرب به استان کهگیلویه و بویراحمد، از شرق به شیراز و اردکان و از جنوب به کازرون مربوط است. این منطقه دارای قسمت های گرمسیر و سردسیر می باشد. از کوه های آن می توان نار، تاسک، درآ، بزآن، سیاه و شاه نشین را نام برد. رودهای فهلیان، تنگ شیو، قره آغاج، شیر، شش پیر، گلگون، پیرآب (پریاب) و کوه سیاه نیز در آن جاری اند. قبل از سال 1343 ممسنی از کازرون جدا شد و به عنوان شهرستان با مرکزیت نورآباد شناخته شد. (حبیبی فهلیانی، 1371)

ممسنی جزو ایالت بزرگ انزان در دوره های ایلامی و هخامنشی بوده و بعدها در دوره ساسانی بخشی از شاپور خوره شد. پس از حمله اعراب این منطقه انبوران نامیده شد و شهر پر رونق نوبندگان مرکز آن گشت. همچنین مورخانی چون یاقوت حموی، مقدسی و استخری از آبادی و رونق شهر خوبدان (فهلیان) در قرون چهارم و پنجم گزارش می دهند. در قرن هشتم امیر تیمور قلعه سفید را تسخیر می کند. ایل ممسنی یکی از شاخه های لرهای ایرانند. نام آنان در اسناد از دوره صفویه دیده می شود و پس از ورودشان از مناطقی در بختیاری یا کهگیلویه به این منطقه نام آن را از شولستان به ممسنی تغییر داده و جایگاه قوم شول را اشغال نمودند.

زبان ایلات کهکیلویه و ممسنی لری است که از جمله زبان های ایرانی غربی و شاخه جنوب غربی (گوش های لر بزرگ) آن می باشد. در واقع لری دنباله زبان پارسی میانه (پهلوی) است که به صورت امروزی تغییر یافته است. به جز اختلافات جزئی، اتلاف چشمگیری میان زبان مردم این دو منطقه دیده نمی شود و به راحتی قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر هستند؛ این زبان برای فارسی زبانان نیز تا حد زیادی قابل فهم می باشد.

پوشش گیاهی همچون سایر مناق زاگرس جنوب غربی پوشیده از بلوط، بادام کوهی، بن و ... است. از جمله سایر مکان های این ناحیه چشمه سرآب بهرام، دره بوان (بون)، امام زاده درآهنی (نورآباد)، شهر قدیمی چشمه سردو، تل نورآباد، تل نوبندگان، قلعه شاه جهان احمد هستند.

### تاریخچه پوشاک زنان لر (ممسنی)

پوشاک لرهای بخش شمالی (بر اثر همجواری) یادآور پوشاک کردهای باختران (کرمانشاهان) است (نظیر پوشاک ساکنان بروجرد و ملایر) ساکنان بخش جنوبی و جنوبی تر لرستان (چون بختیاری ها و بویراحمدی ها) از این مسئله به دورند و پوشاک آنها با کمی اختلاف با پوشاک لرهای ساکن مناطق میانی لرستان، شباهت کامل دارد و صورت واحد پیدا می کند. زنان لر همیشه لباس های گشاد و راحت بر تن می کنند، به دلیل اینکه در بخش وسیعی از تاریخ آنان را قومی کوچ رو می بینیم که فاقد تکلف و دشواری های زندگی شهری بودند. لباس آنها گرم بود به دلیل اینکه در کوهستانها و یخچندانها به سر می بردند و گاه لباس نازک به تن دارند که نشان دهنده مهاجرت آنان به نواحی گرمتر است. (حبیبی فهلیانی، 1371)

با توجه به جوانب تأثیر و رعایت واقعیت، پوشاک بانوان لرستان شمالی شامل قسمت های زیر است:

کلاهک و روسری، پیراهن، تنبان «شلیته»، جلیقه «کلنجه Kolanje»، سرداری. (رنج دوست، شبنم، 217، 1387)

### کلاهک و روسری زنان لر (ممسنی)

روسری های زنان لر که در زبان محلی به آن (گل ونی) می گویند، علاوه بر پوشیده بودن، زیبایی خاصی به آنان می دهد. زنان لر، از پارچه های کم عرض و لفافدار، کلاهکی تهیه می کنند و به دور آن دستمال (روسری کلاغی) می بندند. (تره) و (گل نوی) سرپوش ابریشمی مخصوصی است که زنان لر به سر می بندند و به لری آن را (ساوه) می گویند. (تره) را در حالت عادی و در روزهای معمولی می بندند، اما برای شرکت در مراسم جشن و سور، زنان لر نوعی از آن را به نام (گل نوی) که رنگین است بر روی تره می بندند. این روسری های ریشه دار را (که گلدار و الوان و همچنین سیاه و سفید نیز می باشند) به نحوی به دور سر می پیچند که پرپشت باشد و هر چه ممکن است آویزهای فراوان و بلند داشته باشد. (همان، 217، 1387)



تصویر 2. روسری کلاغی  
منبع عکس: آرشیو شخصی



تصویر 1. روسری  
منبع عکس: آرشیو شخصی



تصویر 4. روسری  
منبع عکس: اینترنت



تصویر 3. روسری  
منبع عکس: اینترنت

### پیراهن زنان لر (ممسنی)

پیراهن زنان لر دارای برشی ساده، بلند و گشاد است و یقه ای گرد و به آمده دارد و با دگمه بسته می شود. جلوی پیراهن از زیر گلو تا حدود سینه چاک دارد (این چاک گاهی از چال جلوی گردن راست به پایین و به هم آمده است و گاهی از پهلوهای گردن، سه گوش پایین می آید). تنه ی پیراهن گاهی برش راست دارد و گاهی نیز از زیر بغل اریب به سوی پایین دامن پهن می شود. آستین پیراهن دارای سردست شکاف دار و بی دگمه می باشد، پارچه پیراهن همیشه از نوع گلداز و الوان و شاد می باشد (گاه این پیراهن از مخمل تهیه می گردد، و روی سر دست و دور شکاف آن و دوره ی دامن آن را نیز پیراق دوزی می کنند). زنان لر، اصولاً از دو پیراهن بر روی هم استفاده می کنند (پیراهن زیرین که به منزله زیر پیراهن آنان است و دارای برشی ساده و بلند است و آن را معمولاً از جنس تافته انتخاب می کنند).



تصویر 6. ست لباس  
منبع عکس: آرشیو شخصی



تصویر 5. پیراهن  
منبع عکس: آرشیو شخصی



تصویر 8. ست لباس  
منبع عکس: آرشیو شخصی



تصویر 7. زن لر  
منبع عکس: اینترنت

### تنبان (شلیته ی) زنان لر (ممنی)

تنبان، شلیته ای لیفه دار و پرچین است و مقدار پارچه ی آن از شش متر کمتر نمی باشد. این شلیته معمولا از مخمل های خوش رنگ و الوان و گاهی در زمینه ی خود، گل و بوته دار تهیه می شود.



تصویر 10. دامن  
منبع عکس: آرشیو شخصی



تصویر 9. زن لر  
منبع عکس: اینترنت

### جلیتقه ی زنان لر (ممنی)

جلیتقه طبق معمول از لحاظ برش و ساختمان، در میان تمام ایل ها یکی ست (گاهی در بعضی تزیینات کمتر و در دیگری بیشتر است) جلیتقه زنان لر در بخش جلو، همیشه باز است و دگمه ندارد. ولی در تمام بخش جلوی آن یراق دوزی مفصل دارد.

Kolanje کلنجه چون کت معمولی است، ولی در جلوی بدن بسته نمی شود و رهاست و یقه اش باز است. یقه و لبه های کلنجه و دم آستین و دوره ی شکاف آن یراق دوزی و نوار دوزی می شود.





تصویر 12. کلنجه  
منبع عکس: آرشیو شخصی



تصویر 11. زن لر  
منبع عکس: اینترنت

### سرداری زنان لر (ممنی)

سرداری زنان لر پوششی است بلند تا به پشت پا، دارای کمرچین، جلوی آن آزاد و رها، بدون دگمه با آستینی تا آرنج کوتاه و آن را اغلب از مخمل های الوان مشکی، سبز و قرمز تهیه می کنند و کناره های سرداری و دوره ی دامن و آستین آن را نیز، به پهنای دو سه انگشت یراق دوزی و نواردوزی می کنند. (در گذشته سرداری زنان لر از پارچه های ترمه تهیه می شده است).



تصویر 14. دختر لر  
منبع عکس: اینترنت



تصویر 13. دختر لر  
منبع عکس: اینترنت



تصویر 16. سرداری  
منبع عکس: آرشیو شخصی



تصویر 15. سرداری  
منبع عکس: آرشیو شخصی

### پاپوش زنان لر (ممسنی)

پاپوش زنان لر از دوخته های چرخي محلی است (خرمآباد و بروجرد) ولی، اغلب از دوخته های باختران و گیوه های معروف آنجا و گاهی از گیوه های شیرازی استفاده می کنند.

### لباس مراسم عروسی زنان لر (ممسنی)

در ممسنی، هنگامی که قصد حرکت دادن عروس از خانه پدری به خانه داماد هست، سرپوشی روسری مانند بر سر و صورت او می افکنند. این سرپوش دارای اسامی متفاوتی مانند: گل و نی، چارقد، روبند، تور سر و لاکي است که به رنگ های سفید، سبز و بیشتر قرمز دیده می شود. این روسری در بعضی مناطق جنسی نازک و لطیف دارد و در بعضی مناطق مانند مناطق ترکمن نشین دارای جنسی ضخیم است.

شاخص رنگ هایی که مطرح شد (سفید، سبز و قرمز) هر کدام در باور ما ایرانیان معنای خاصی دارد. رنگ سفید همیشه حکایت از پاکی و تقدس داشته و رنگ قرمز و ارغوانی از کهن ترین روزگار در میان مردم ایران با نظر احترام و تقدس نگریسته می شد و در مراسم و آیین های مذهبی زنان در گذشته از چادر و یا پیراهن های ارغوانی و قرمز و سفید استفاده می کردند. شاید استفاده از این رنگ ها در لباس عروس برگرفته از همان باور تقدس و روحانیتی است که در دوران باستان وجود داشته است و سمبل شادی و سرور و نویدبخش خوشبختی است و القای باور سفید بخت و یا سبز بخت شدن است. در گذشته در لباس عروس بیشتر از رنگ های روشن و شاد مانند: صورتی، قرمز، نارنجی، سبز، ارغوانی و مغزی پسته ای استفاده می شده است. اما پوشش سر عروس و رنگ آن تنها شاخص لباس وی نیست. یکی دیگر از شاخص های نمادین لباس عروس (شال کمر) است. شال کمر معمولاً از پارچه ای ابریشمی و به رنگ های گوناگون و روشن تهیه می شود.



تصویر 18. عروسی در نورآباد ممسنی  
منبع عکس: اینترنت



تصویر 17. عروسی در نورآباد ممسنی  
منبع عکس: اینترنت

### لباس مراسم سوگواری زنان لر (ممسنی)

در ممسنی، خانواده های عزادار تا حدود یک سال لباس سیاه بر تن می کنند، طرح این لباس تفاوتی با طرح لباس های سنتی آن ها ندارد و تنها شاخص سوگواری مردم در رنگ تیره آن (سیاه، سورمه ای، سبز تیره) نمایان است.

ریتم رنگ در لباس زنان لُر (مطالعه موردی در 20 دست لباس)

لباس	کلاهک / روسری	پیراهن	تنبان (شلیته ی)	جلیتقه	سرداری
1	قهوه ای	سبز	قهوه ای	قرمز	قرمز
2	نارنجی	قرمز	سبز	x	قرمز
3	آبی	صورتی	قهوه ای	آبی	قرمز
4	سبز	زرد	سبز	x	قرمز
5	قرمز	آبی	قرمز	سبز	قرمز
6	سبز	زرد	سبز	x	سبز
7	سبز	صورتی	آبی	سفید	سبز
8	سبز	آبی	نارنجی	نارنجی	سبز
9	قرمز	زرد	قهوه ای	آبی	قرمز
10	صورتی	نارنجی	سبز	x	خاکستری
11	آبی	زرد	خاکستری	x	بنفش
12	قهوه ای	زرد	آبی	x	صورتی
13	سبز	نارنجی	آبی	آبی	قهوه ای
14	سبز	آبی	قرمز	آبی	سبز
15	سبز	نارنجی	سبز	سبز	نارنجی
16	سیاه	سفید	قرمز	سبز	قرمز
17	سیاه	زرد	قهوه ای	سبز	سیاه
18	آبی	زرد	خاکستری	سبز	آبی
19	زرد	زرد	سبز	x	زرد
20	زرد	سبز	قهوه ای	x	آبی

## ریتم رنگ در لباس زنان لر

مهمترین هدف از کنار هم گذاشتن و ست کردن لباسهای مختلف، ایجاد هارمونی و هماهنگی معنادار است. هارمونی چیزی است که خوشایند چشم بیننده باشد و حس نظم و توازن را به فرد القاء کند. اگر چیزی فاقد هماهنگی و هارمونی لازم باشد، خسته کننده و آشفته به نظر خواهد آمد.

در یک حالت این تجربه دیداری آنقدر ملایم و یکنواخت می شود که بیننده را درگیر نمی کند. مغز انسان اطلاعات با قدرت انگیزش پایین را رد می کند، مثل مجموعه های تک رنگ با بافت و طرح یکسان. در حالت دیگر، تجربه دیداری آنقدر تکرار شونده و خسته کننده می شود که بیننده طاقت نگاه کردن به آن را نخواهد داشت. مغز انسان چیزی را که قادر به تعدیل و فهم آن نباشد، مثل چهار طرح و رنگ متناقض و متضاد در یک مجموعه، را پس زده و رد می کند. بطور خلاصه، یکپارچگی بیش از حد باعث انگیزش بسیار پایین و پیچیدگی افراطی نیز باعث باعث انگیزش بیش از حد خواهد شد. در این میان، هارمونی و هماهنگی تعادل پویا خواهد بود.

برای استفاده از نمودار بالا دانستن مفاهیم زیر الزامی است:

رنگ هسته: رنگ غالب در طرح لباس به شمار می رود. این رنگ، رنگ آیتم اصلی مجموعه است. در نمودار بالا، پیراهن آیتم اصلی لباس محسوب می شود.

رنگ تکیه: رنگ دوم و گاه سومین رنگ در طرح لباس است. این رنگ می تواند متمم، سه گانه، شبیه یا خنثی باشد.

زنان و دختران لر هنگام انتخاب لباس هایشان بیش از همه به پیراهن که نقطه ی کانونی لباس آنها را تشکیل می دهد، توجه می کنند. رنگ و جنس پارچه ی پیراهن برای این زنان و دختران از اهمیت بسیاری برخوردار است، چرا که انتخاب درست و زیبای رنگ پارچه ی پیراهن در «خاص کردن» لباس بسیار مؤثر خواهد بود.

برای نمونه در دست اول لباسهای نمودار بالا، همان طور که می بینید، رنگ پیراهن، که در نگاه زنان لر از اهمیت بیشتری نسبت به سایر بخش ها برخوردار است، رنگ سبز انتخاب شده است، رنگی شاد با درخشندگی بالا و برای شلیته که در درجه دوم اهمیت قرار دارد، رنگ قهوه ای انتخاب شده است و همچون حاشیه ای تیره، رنگ سبز پیراهن را احاطه کرده است. این رنگ قهوه ای باعث بیشتر به چشم آمدن پیراهن می شود و تأثیر رنگ سبز را افزایش می دهد. همین مسئله را در ست دوم هم می توان دید؛ رنگ هسته که همان رنگ پیراهن می باشد، قرمز انتخاب شده است و رنگ شلیته، رنگ متضاد پیراهن، یعنی رنگ سبز، با این انتخاب نه تنها بر درخشندگی رنگ قرمز پیراهن افزوده می شود، که بر ارزش روانی آن نیز تأکید می کند و این خود باعث می شود تا نگاه مخاطبین به پیراهن بیشتر از سایر قسمت های لباس جلب شود. یعنی بخشی از لباس که بیشترین اهمیت را برای زنان نورآباد ممسنی (لر) دارد.

با نگاهی به نمودار بالا که در آن ریتم رنگ در 20 دست از لباس دختران جوان ممسنی نشان داده شده است، می توان ریتمی خاص از رنگ را مشاهده نمود. در لباس این زنان و دختران جوان از یکسری رنگ های مشخص استفاده شده است و دارای تنالیه خاص رنگی می باشد. در این لباس ها عموماً از رنگ های اصلی چرخه رنگ که دارای درخشندگی و قدرت بیان بالایی هستند، استفاده شده است. این رنگ ها شامل: زرد، سبز، قرمز، آبی، نارنجی، قهوه ای، صورتی، سیاه، خاکستری و سفید هستند. رنگ هایی با درجه خلوص بالا که از نگاه روان شناسی ارتباط مستقیم با نحوه زندگی زنان نورآباد ممسنی (لر) دارد.

همان طور که گفته شد، مهمترین بخش این لباس ها که برای دختران و زنان لر از اهمیت بسیاری برخوردار است، «پیراهن» آنها است. رنگ پیراهن که آیتم اصلی این مجموعه محسوب می شود، بهترین راهنما در درک معنایی ریتم در این لباس ها برای ما می باشد. بیشترین رنگ استفاده شده در مجموع پیراهن های این بیست دست لباس یا به زبان بهتر، رنگ هسته در تنالیه رنگ های بکار رفته در آنها، رنگ زرد است. رنگی روشن و شاد که درخشش بسیار دارد. رنگ

پیراهن بلند این زنان رابطه مستقیم با طبیعت و عناصر موجود در آن دارد. همچنین این رنگ روشن و درخشان پیراهن، که شاید بتوان گفت نمادی از پرتوی خورشید است، باعث جلب توجه و بیشتر به چشم آمدن لباس نیز می شود.

بعد از پیراهن، تنبان یا «شلیته» از اهمیت بسیاری برخوردار است. این شلیته ها که معمولاً با پولک های الوان و منجوق های رنگی تزئین شده اند، در رنگ هایی به نسبت تیره تر از پیراهن ها دیده می شوند. شاید یکی از دلایل اصلی در بکارگیری رنگ های تیره تر برای شلیته ها، بیشتر معنا دار کردن پیراهن ها باشد. شلیته به عنوان حاشیه، کمک به درخشان تر نشان داده شدن پیراهن و در نتیجه، پررنگ تر جلوه داده شدن آیتم اصلی این لباس ها، یعنی پیراهن می کند که در انتخاب رنگ و جنس پارچه ی آنها توجه بسیاری شده است. گاهی حاشیه پایینی شلیته ها دارای پولک های الوان هستند و گاهی تمام سطح پارچه ی شلیته دارای پولک دوزی یا منجوق دوزی می باشد، که معمولاً رنگ این پولک ها و منجوق ها هم رنگ و یا نزدیک به رنگ پیراهن است. این انتخاب رنگ، خود باعث ایجاد ریتم و حرکت چشم در این لباس های زیبا می شود.

از آنجا که لباس زنان لر، ترکیبی از تکه ها و اجزاء الوان و زیباست، دقت در انتخاب درست رنگ ها و چینش زیبای آنها، بگونه ای که ریتم زیبای آن برای چشم بیننده دلنواز باشد بسیار مهم است.

لباس های محلی زنان لر متشکل از رنگ های مختلفی است که هر یک از این رنگ ها معنی و مفهوم خاصی دارد. تمامی رنگ هایی که در این لباس ها بکار برده می شود، برگرفته از رنگ های طبیعت است. ارتباط مستقیم با طبیعت و مشاهده ریتم رنگ های موجود در آن همچون زردی پرتوی خورشید، آبی آسمان، سبزی دشت ها و سرخی گل ها، همه و همه تأثیر مستقیم در برداشت زنان لر از زیبایی و رنگ دارد. ایده گرفتن از رنگ های موجود در طبیعت و نقش این رنگ ها را می توان به راحتی در انتخاب رنگ لباس های زنان لر مشاهده کرد.

پوشاک زنان نورآباد ممسنی «لر» بنا به موقعیت اجتماعی، اقتصادی و از طرفی شرایط سنی از ویژگی های مشخصی برخوردار است به طوری که پوشاک زنان جوان لر با پارچه های الوان و در رنگ ها و طرح های شاد با سربندهای زیبا و رنگی است و زنان مسن تر پارچه هایی به رنگ تیره با طرح های ساده و سربندی سیاه و سفید را ترجیح می دهند.

مردم ممسنی با وجود داشتن محرومیت های بسیار در زندگی و شرایط سخت اقتصادی، مردمی شاد و سرشار از انرژی زندگی هستند. این ویژگی را بخصوص در جوانان ممسنی می توان مشاهده کرد و شاید بتوان گفت همین روحیه جمعی شاد تأثیر مستقیم در رنگ لباس آنها دارد.

اگرچه سلیقه ی شخصی و روحیات فردی در انتخاب رنگ نقش مهمی دارد، اما عامل دیگری که امروزه می تواند در این انتخاب تأثیرگذار باشد، «مد» است. مد شدن رنگی خاص، قاعده ای سنتی نیست، بلکه پدیده ای است که برحسب شرایط اجتماعی و فرهنگی در برهه ای از زمان مورد توجه قرار می گیرد. زنان عشایر نیز از این قاعده مستثنا نیستند. ممکن است گاهی با مد شدن رنگ و یا پارچه ای خاص، استفاده از آن در میان زنان لر و به خصوص دختران جوان به میزان زیادی افزایش یابد.

امروزه دیگر زنان ممسنی «لر» به ندرت از این لباس ها استفاده می کنند. بیشترین بهره ی آنها از این لباس های رنگی و زیبا در مراسم آیینی و جشن های عروسی است، که در این مراسم نیز سعی می کنند تا لباس هایی الوان با رنگ هایی شاد بر تن کنند.

## نتیجه گیری

در این مقاله سعی شده است تا به مطالعه در زمینه ریتم رنگ در لباس زنان نوآباد ممسنی «لر» پرداخته شود. گذر زمان و کمتر استفاده کردن از این لباس ها توسط خود این زنان و شهرنشین شدن این قوم موجب به فراموشی سپرده شدن این میراث زیبای فرهنگی کشورمان شده است. ریتم زیبای موجود در لباس این زنان که از منطق زیباشناسانه ای خاص پیروی می کند، سؤال اصلی مورد بحث در این نوشتار می باشد.

هارمونی و هماهنگی موجود در ریتم رنگ این لباس ها علاوه بر سلیقه ای شخصی که مختص هر یک از این زنان است، دارای منطق خاصی است که ریشه در طبیعت بکر و زیبای محل زندگی و عقاید و باورهای آنها دارد. رنگ ها و زیبایی های موجود در طبیعت به این زنان سلیقه ای زیبا بخشیده است که شادی و امید به زندگی که از ویژگی های اصلی طبیعت است در رنگ لباس این زنان نیز به چشم می خورد.

توجه زنان لر به پیراهن به عنوان هسته اصلی و مهم که بیش از سایر بخش های لباس به چشم می آید و دقت در انتخاب درست رنگ پارچه برای آن، تنالیتیه اصلی لباس را شکل می دهد و سایر بخش های لباس به عنوان حاشیه و عواملی برای زیباتر جلوه دادن آن، ایجاد هماهنگی، هارمونی و معنا دار کردن رنگ پیراهن بکار می روند.

بر اساس مطالعات انجام شده، می توان به این نتیجه رسید که در اغلب موارد رنگ انتخاب شده برای پیراهن توسط زنان لر، از جمله رنگ های درخشان و اصلی است، برای مثال در بیشتر این لباس ها از رنگ زرد برای پیراهن استفاده شده است و برای درخشان تر کردن آن و همین طور جلب توجه بیشتر، برای شلیته که رنگ حاشیه ای برای پیراهن است، از رنگ های تیره تر و یا متضاد رنگ پیراهن استفاده شده است تا بر تأثیرگذاری رنگ هسته و پیراهن افزوده شود.

هر چند که امروزه استفاده از این لباس ها به ندرت شده و دیگر، تنها در مراسم و جشن ها می توان شاهد پوشیده شدن آنها توسط زنان لر بود، اما مطالعه در رابطه با این لباس ها، نوع دوخت، پارچه ها و رنگ های بکاررفته در آنها، علاوه بر اینکه به ما در شناخت بیشتر مردمان لر یاری می رساند، از به فراموشی سپرده شدن این داشته ملی نیز جلوگیری می شود.

## منابع

- پاول، ویلیام، 1378. دنیای رنگ، مترجم: عربعلی شروه، تهران، انتشارات بهار.
- حبیبی فهلیانی، حسن، 1371. ممسنی در گذرگاه تاریخ، شیراز، انتشارات نوید.
- رنج دوست، شبینم، 1387. تاریخ لباس ایران، تهران، انتشارات جمال هنر.
- سان، هوارد و دوروتی، 1378. زندگی با رنگ، مترجم: نغمه صفاریان، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی حکایت.
- رمضان عرب، فرانک، 1382. روح و رنگ: تأثیر روانی رنگ ها در انسان. فصلنامه طراحی پارچه، لباس و تزئینات، شماره صفر.
- قرنجیک، ذلیخا، 1378. پوشاک مردم: پژوهش های مردم شناسی. ماه هنر، بهمن و اسفند، 68.